

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)

دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه

سال پنجم، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۴ هـ ش / ۱۴۳۷ هـ ق / ۲۰۱۵ م، صص ۱۴۳-۱۶۷

بررسی سنجشی نمادهای پایداری در شعر فدوی طوقان و قیصر امین‌پور^۱

صابره سیاوشی^۲

استادیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ایران

مولا شکاری میر^۳

کارشناسی‌ارشد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ایران

چکیده

پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی به بررسی نمادهای همسان و مشترک در شعر مقاومت فدوی طوقان و قیصر امین‌پور به عنوان دو نماینده از ادبیات پایداری ایران و فلسطین بپردازد تا گوشه‌ای از زوایای ناشناخته میراث ادبی دو کشور مقاوم را به ادبیات جهانی بشناساند. اطلاعات لازم برای سنجش نمونه‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و بررسی مستقیم متون، حاصل شده است. یافته‌های پژوهش نیز گویای این واقعیت است که در شعر این دو شاعر، شب و شخصیت‌های تاریخی متجاوز، نماد دشمن و جنگل نماد وطن است. رنگ‌های سرخ، سیاه، آبی، سبز و زرد به ترتیب نمادی جهت تصویرپردازی مفاهیم متنوعی، چون شهادت، ماتم و خفقان، آرامش و امیدواری، شادابی و بالندگی، جدایی و اندوه هستند. این موارد، نمادهای کاملاً همسان در شعر مقاومت این دو شاعر به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: ادبیات معاصر فارسی و عربی، عناصر مقاومت، شعر پایداری، قیصر امین‌پور، فدوی طوقان.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲۵

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۰

۲. رایانامه نویسنده مسئول: saberehsivashi@yahoo.com

۳. رایانامه: molashekarimir@yahoo.com

۱. پیشگفتار

آدمی از آغاز تا کنون با هدف حفظ بقای خود با ناسازگاری‌های اطرافش به نوعی در حال مبارزه بوده است. در این میان هر چقدر آگاهی و دانسته‌های بشر بیشتر شده، مبارزه او نیز هدفمندتر گردیده است؛ و در واقع شناخت باعث شده تا مبارزه او آگاهانه‌تر باشد. گویی مبارزه جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی آدمی است که در هنگام بروز حادثه‌ای همچون جنگ نمود می‌یابد. برای پیدایش ادبیات و شعر مقاومت به ناچار باید زمینه‌ها و عواملی وجود داشته باشد؛ به عنوان نمونه هنگامی که جامعه‌ای دچار نظامی مستبد یا غاصب شود، به طوری که آزادی و حقوق اولیه افراد اجتماعی سلب شود، ادبیات مقاومت شکل می‌گیرد. در این میان شاعری که در عرصه جنگ و مقاومت شعر می‌سراید، به اعتباری در حال جنگیدن است؛ چه خود او و چه شعرش؛ چرا که اگرچه او یک تن است، اما با سخن خود می‌تواند انبوهی را انگیزه‌مند کرده و به میدان‌های نبرد با دشمن روانه کند. در حقیقت، شاعر مقاومت به گونه‌ای دیگر روایت‌کننده تاریخ است. او هم تاریخ را روایت می‌کند و هم از آن الهام می‌گیرد و دیروز و امروز را به هم پیوند می‌زند، چرا که اگر از گذشته بهره نگیرد، با خطر از دست دادن هویت و شکست در برقراری ارتباط با مخاطب و در نتیجه عدم مقبولیت رو به روست. از همین رو، نقش نمادها در ادبیات مقاومت چشمگیر است و این نوع ادبی از سمبل‌هایی که با روح، جان و حافظه ادبی و تاریخی مردم عجین شده است، بهره می‌گیرد.

پژوهش حاضر می‌کوشد با تکیه بر اشعار قیصر امین‌پور^(۱) و فدوی طوقان^(۲) مهم‌ترین نمادهای مشترک این دو شاعر را به عنوان نمایندگان شعر مقاومت فلسطین و دفاع مقدس ایران استخراج کرده و در کنار بررسی علل ظهور این نمادها در خدمت بیان نگرش‌های انتقادی-اصلاحی دو شاعر باشد.

۱-۱. چارچوب نظری تحقیق

چارچوب نظری این پژوهش بر نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی استوار است. در این رهیافت، ادبیات تطبیقی به عنوان ابزاری جهت ایجاد نزدیکی میان ملت‌های مسلمان به کار می‌رود و روابط و مناسبات آثار ادبی ملل اسلامی بر اساس اصل تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، یا اصل تشابه میان آن‌ها بررسی می‌شود. این مکتب معتقد است «ملت‌های مسلمان با توجه به برخورداری از روح هویت اسلامی مشترک که به آن‌ها تاریخ، عقیده، اندیشه و ادبیات نزدیک به هم بخشیده است، می‌توانند با آشنایی

متقابل با فرهنگ، هنر و ادبیات همدیگر و با بررسی و مقایسه آن‌ها با یکدیگر، داعیه‌دار بنای هویت ملی، دینی، فرهنگی و هنری خود باشند و در مواجهه با بحران هویت در عرصه فکر، فرهنگ، هنر و ادبیات سهم بسزایی داشته باشند» (پروینی، ۱۳۸۹: ۷۷). اقبال لاهوری، حسین مجیب مصری و طه ندا از دیگر نظریه پردازان این مکتب هستند.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیرامون شعر فدوی طوقان و قیصر امین‌پور، پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ لیکن موارد یاد شده به بررسی جنبه‌هایی از شعر آنان پرداخته‌اند که با موضوع مورد بحث در این پژوهش متفاوت است؛ برخی دیگر نیز به صورت یک‌جانبه و در آثار یکی از این دو شاعر بوده و طبق کاوش‌های نگارنده تا کنون پژوهش علمی‌ای که در مقام بررسی نمادها در شعر این دو شاعر برآمده باشد، صورت نپذیرفته است. پژوهش‌های مرتبط که به بررسی شعر مقاومت فلسطین و ایران پرداخته‌اند، عبارتند از پایان‌نامه مرضیه زارع (۱۳۸۷) با عنوان «آدب (شعر) المقاومة في فلسطين وإيران، موازنة ودراسة وتحليل ونقد» که به صورت کلی و گذرا ویژگی‌های هنری شعری محمود درویش تا زمان خروج وی از بیروت را بررسی کرده و در بخش دیگر به شعر ایران در عصر انقلاب اسلامی و سپس شعر پایداری ایران به صورت عمومی پرداخته است. مقاله «بررسی شعر مقاومت نزد معین بسیسو و قیصر امین‌پور» از احمدرضا حیدریان و ندا صدیقی (۱۳۹۱) در همایش ملی ادبیات تطبیقی دانشگاه رازی نیز شعر مقاومت نزد این دو شاعر را بررسی کرده است که با عنوان مقاله حاضر متفاوت است. پایان‌نامه روزبھانی (۱۳۸۹) با عنوان «بررسی تطبیقی ادبیات مقاومت ایران و فلسطین با تکیه بر سه شاعر ایرانی (قیصر امین‌پور، علیرضا قزوه، محمدرضا عبدالملکیان) و سه شاعر فلسطینی (محمود درویش، سمیح القاسم و معین بسیسو)»، دیگر جستار موجود در این زمینه است که بیشتر مثال‌های عربی آن، متعلق به کتاب *باد خانه من است*، گنجشک بهانه ترجمه موسی بیدج می‌باشد. به نظر می‌رسد این اثر در ذکر درون‌مایه‌های پایداری شعر سه شاعر فارسی نیز در بسیاری موارد تنها به ذکر یک مثال برای توضیح چند درون‌مایه اکتفا کرده است. مقاله‌ای نیز با عنوان «واکاوی اشعار انقلابی در دیوان فدوی طوقان و طاهره صفارزاده» در نشریه نقد ادب عربی به قلم ابوالفضل رضایی، رقیه خرمی و محدثه عطاءاللهی موجود است که هم‌عنوان مقاله و هم شاعر مورد بررسی آن با پژوهش حاضر متفاوت است. مقاله «تحلیل عناصر مقاومت در

اشعار سمیح القاسم، سید حسن حسینی، قیصر امین‌پور» توسط حسینعلی قبادی، کبری روشنفکر و مرتضی زارع در این زمینه انتشار یافته که به علت گستردگی کار به برخی از عناصر مقاومت در ادبیات این سه شاعر پرداخته نشده است، ضمن آنکه مقاله مذکور فقط به عناصر مقاومت در شعر قیصر پرداخته و شعر عربی فدوی طوقان را شامل نمی‌شود. در پایان‌نامه اکرم محمدی با عنوان «دراسة و تحلیل دیوان إمام الباب المغلق للشاعرة فدوی طوقان» دانشگاه فردوسی نیز همان‌گونه که از عنوانش پیداست، نگارنده تنها یکی از دیوان‌های شاعر عرب مورد نظر ما را مطالعه کرده است. مقاله‌ای کوتاه نیز با عنوان «تجلی پایداری در اشعار سیمین بهبهانی و فدوی طوقان» نوشته غفار محمدی در حد چند صفحه در اینترنت وجود دارد که علاوه بر تفاوت عنوان با پژوهش حاضر، فاقد منابع می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر می‌کوشد تا ناگفته‌ها و جنبه‌های مغفول مربوط به نمادهای مقاومت در شعر این دو شاعر را ضمن رونمایی، مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۱-۳. روش کار و ضرورت انجام پژوهش

روش این تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است و اطلاعات لازم برای سنجش نمونه‌ها به شیوه کتابخانه‌ای و بررسی مستقیم متون حاصل شده است. ضرورت انجام این پژوهش نیز در آن است که استخراج و تحلیل نمادهای مقاومت در شعر این دو شاعر علی‌رغم تفاوت محیط جغرافیایی آن‌ها می‌تواند به انعکاس و تبیین دردهای مشترک ملت مظلوم فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی و ملت ایران در دوران جنگ تحمیلی کمک کند.

۱-۴. پرسش‌های پژوهش

- ۱- برجسته‌ترین نمادهای مقاومت در اشعار «قیصر امین‌پور و فدوی طوقان» چیست؟
- ۲- رنگ‌های سبز، آبی، قرمز، زرد و سیاه در اشعار مقاومت این دو شاعر در چه مواردی کاربرد نمادین یافته‌اند و دارای چه بسامدی هستند؟
- ۳- دو عنصر جنگل و شخصیت‌های تاریخی در اشعار این دو شاعر نماد چه چیزی هستند؟

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۲-۱. نماد رنگ‌ها

معانی نمادین رنگ‌ها و بازشناسی ویژگی‌های آن‌ها به پیشینه فرهنگی و باورهای دیرینه ملت‌ها بازمی‌گردد. عنصر رنگ از عناصری است که از طریق آن می‌توان بسیاری از سلیقه‌ها، باورها، آرزوها

و خواسته‌های آدمیان را شناخت. از دیدگاه روان‌شناسان، علاقه به هریک از رنگ‌ها بیان‌کننده شخصیت افراد است. «روان‌شناسان با دقت در کاربرد رنگ‌ها به بازشناسی لایه‌های پنهانی شخصیت افراد می‌پردازند. «یونگ» یکی از متفکران و روان‌شناسان سده بیستم به نیروی نمادین رنگ‌ها اعتقاد داشت و بیمارانش را تشویق می‌کرد تا هنگام نقاشی رنگ‌ها را به کار گیرند تا بدین وسیله، ژرف‌ترین بخش ناخودآگاه خود را آشکار سازند و بتوانند برای دست یافتن به سلامت روان، پیوندی بین خودآگاه و ناخودآگاه خود برقرار سازند» (سان، ۱۳۷۸: ۵۸)

رنگ‌ها به طور کلی به شش رنگ اصلی تقسیم می‌شوند: سیاه، سفید، قرمز، سبز، زرد و آبی. این گروه از رنگ‌ها اصلی قلمداد می‌شوند و رنگ‌های دیگر زیرمجموعه این رنگ‌های اصلی قرار می‌گیرند. (ر.ک: حسین، ۱۹۸۲: ۱۰۸)

احمد مختار عمر در کتاب *اللغة واللون* به بررسی روان‌شناختی رنگ‌ها و دلالت‌های روانی آن‌ها پرداخته و می‌گوید: «امروزه رنگ، جزئی از جهان پیرامون ما و لازم و ملزوم زندگی است و بدون تردید به عنوان جزئی از مهم‌ترین عناصر زیبایی به شمار می‌رود. با اینکه زندگی پیرامون ما آکنده از انواع رنگ‌های طبیعی است انسان به این قناعت نکرده و از هنر و دانش خود هزاران رنگ و ترکیبات رنگارنگ به وجود آورده است تا جایی که زندگی بدون رنگ از ما دور شده است. به این ترتیب نمی‌توانیم رنگ را به عنوان یکی از عناصر زیبایی قلمداد نکنیم» (۱۹۹۷: ۱۳)؛ بنابراین، امروزه رنگ در زندگی و حالات روحی ما تأثیر بسزایی دارد و شاعران از این عنصر برای عینی‌تر شدن مفاهیم خود و نیز کشف و توضیح روابط میان اجزای شعری و بیان مفاهیم نمادین، بهره جسته و از زبان رنگ‌ها، رازهای خود را باز می‌گویند.

رنگ در حوزه ادبیات معاصر، نه تنها در قالب پدیده‌های طبیعی تجلی می‌یابد، بلکه در مفهومی رمزگونه برای نشان دادن حالات درونی شاعر به کار می‌رود و فریاد اعتراض او را نسبت به وضعیت نامطلوب جامعه به تصویر می‌کشد. زبان نمادین رنگ، فرصتی مناسب برای شاعران مورد بحث ما (قیصر امین پور و فدوی طوقان) به وجود آورده تا در پس نقابی رنگین، مفاهیمی چون ظلم، خفقان، تبعید، آوارگی، شهادت‌طلبی و آرمان‌خواهی را بیان کنند.

۲-۱-۱. رنگ سبز

سبز، رنگ معنویت و آرامش است. این رنگ از منظر روان‌شناسی و آداب و رسوم و همچنین مذهب اهمیت بسیاری دارد. «در مذهب، رنگ سبز سمبل ایمان و عقیده، دین و توکل، فناپذیری ابدیت و رستاخیز است» (حجتی، ۱۳۸۳: ۵۲). به طور کلی این رنگ، رنگ آبادانی و خرمی و زایش و رویش است. همچنین آمده است «عرب جاهلی رنگ سبز را بیشتر از هر رنگ دیگری دوست داشته است چراکه یادآور بهار و مراتع خرم و چراگاه‌های خوب است. مسأله چراگاه برای ایشان مهم‌ترین امر زندگی بوده است». (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۵: ۲۶-۲۷) لوچر نیز معتقد است: «رنگ سبز از لحاظ نمادی شباهت به درخت کاج دارد که دارای ریشه‌ای عمیق، مغرور و تغییرناپذیر است؛ از همین رو این رنگ نمایان‌گر عزم راسخ، پایداری و از همه مهم‌تر مقاومت در برابر تغییرات می‌باشد و از ثبات عقیده نیز حکایت می‌کند» (۱۳۸۶: ۸۳ و ۸۴)

امین‌پور رنگ سبز را نماد شادابی، جاودانگی و آرامش می‌داند:

او را چنان که خواست / با آن لباس سبز بکارید / تا چون همیشه سبز بماند / تا چون همیشه سبز بخواند
(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۸۱)

رنگ سبز در این شعر، نماد شهیدی است که لباس سبز سپاه را بر تن دارد. او می‌خواهد وی را با همان لباس سبز به خاک بسپارند تا همیشه سبز و جاودانه باشد و از جاودانگی بخواند. باور به سبزی و جاودانگی شهید و حیات دوباره او در این بیت نیز بازتابی پررنگ دارد:

خوشا چون سروها استادنی سبز	خوشا چون برگ‌ها افتادنی سبز
خوشا چون گل به فصلی سبز مردن	خوشا در فصل دیگر، زادنی سبز

(همان: ۱۶۰)

در این اشعار که به دوره آرمان‌گرایی قیصر تعلق دارد، «صدای انقلابی دینامیک و فعال او در قالب زبانی تپنده شکل می‌گیرد. گفتمان ایدئولوژیک این اشعار و فراوانی افعال حرکتی و مادی آن‌ها، سبک شعر را پویا و دینامیک می‌کند؛ به گونه‌ای که به نظر می‌رسد شاعر در مقام یک کنشگر انقلابی، قصد تغییر جهان را دارد» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۵).

شاعر در جای دیگری از شعرش، بار دیگر رنگ سبز را نماد شهید قرار داده است:

افتاد/ آن‌سان که برگ/ - آن اتفاق زرد - / می‌افتد/ افتاد/ آن‌سان که مرگ/ - آن اتفاق سرد - / می‌افتد
 اما/ سبز بود و گرم که افتاد (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

تفاوتی که میان فروافتادن برگ درخت و شهادت شهید وجود دارد، آن است که برگ زمانی که زرد شده باشد از شاخه جدا می‌شود؛ اما شهیدی که امین‌پور از آن نام می‌برد، سبز و جاندار بوده است که بر روی زمین افتاده است. وی با استفاده از جملات معترضه - و آن اتفاق سرد - و - آن اتفاق زرد - تفاوت میان افتادن این دو را مد نظر دارد. امین‌پور در این شعر با طرح مسأله شهید، بی‌آنکه به توضیحات زائد یا به صراحت‌گویی مستقیم پردازد، در ایجازی ستودنی، مخاطب را با حس شاعرانه خویش هم‌دل و همراه می‌کند. (سنگری، ۱۳۸۰، ج ۳: ۲۱۱)

امین‌پور در یادبود «رحمان عطوان» یکی از فرماندهان نظامی ایران در جنگ نیز عنصر رنگ را به کار گرفته است:

این سبز کیست؟/ این سبز سرخ چیست که می‌کارید؟/ این زن که بود که/ بانگ «خوانگریو»^(۳) محلی را از یاد برده بود/ او را وقتی که کاشتند/ هم سبز بود هم سرخ/ آنگاه/ آن یار بی‌قرار/ آرام در حضور خدا آسود/ هرچند سرخ سرخ به خاک افتاد/ اما/ این ابتدای سبزی او بود. (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۸۰)

عنوان «این سبز سرخ چیست؟» برای این شعر آمیزه‌ای از دو رنگ سبز و قرمز را دربر دارد و جلوه خاصی به شعر او بخشیده است. به عقیده شفیعی کدکنی «آنچه مسلم است این است که عنصر رنگ به عنوان گسترده‌ترین حوزه محسوسات انسانی در تصویرهای شاعرانه سهم عمده‌ای دارد. از قدیمی‌ترین ایام مجازها و استعاره‌های خاص از رهگذر توسعه دادن رنگ در غیر موارد طبیعی خود در زبان وجود داشته، چنان که بسیاری از امور معنوی که به حس بینایی در نمی‌آیند با صفاتی از صفات رنگ‌ها نشان داده شده‌اند.» (۱۳۷۲: ۲۷۴)

رنگ سبز در این شعر به لباس پاسدار که سبز رنگ است، اشاره دارد و رنگ سرخ نیز به شهادت شهید گریز زده است. او در همین قطعه، به خاک سپردن شهید را به کاشتن درخت مانند کرده است. وی با ایجاد تضاد میان دو کلمه بی‌قرار و آرام به زندگی قبل و بعد از شهادت اشاره می‌کند؛ زیرا شهید در این دنیا احساس بی‌قراری و ناآرامی دارد و به محض قرار گرفتن در پیشگاه حق تعالی به آرامش و آسودگی دست می‌یابد. لذا شهادت به منزله شروع زندگی جاودان و توأم با آرامش خواهد بود.

رنگ در اشعار فدوی طوقان نیز نقش مخصوص به خود را ایفا می‌کند. رنگ سبز در شعر طوقان نماد رشد و تجدّد، زندگی، طبیعت، بهار، جوانی و نویدبخش شکوفایی و سلامتی است. رنگ سبز یکی از رنگ‌هایی است که در قرآن کریم آمده است. «... وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ...» (کهف/ ۳۱)^(۴)

طوقان این رنگ را برای توصیف سرزمینش به کار می‌گیرد اما از لابه‌لای این مفهوم می‌توان به هدف شاعر که بیدار کردن ملت فلسطین و جهان عرب و ایجاد امید به آینده در دل‌های ایشان است، رسید: *يَوْمَ الإِعْصَارِ الشَّيْطَانِيَّ طَغَى وَامْتَدَّ / يَوْمَ الطُّوفَانِ الأَسْوَدِ / لَقَطْنَهُ سَوَاحِلُ هَمَّجِيَّةٍ / لِلأَرْضِ الطَّيْبَةِ الخَضْرَاءِ / هَتَفُوا وَمَضَّتْ عِبْرَ الأَجْوَاءِ الغَرِيبَةِ.* (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۴۰)

(ترجمه: روز طوفان‌های شیطانی طغیان کرد و امتداد یافت / روز طوفان سیاه / ساحل او را یکباره پس آورد / به زمین سرسبز پاک / فریادی زدند که از سرزمین‌های عربی فراتر رفت.)^(۵)

شاعر در جایی دیگر و به هنگام بازگشت به وطن، سرزمین خود را شاخه تری می‌داند که تندباد حوادث و مشکلات قادر به شکستن آن نمی‌باشد، این شاخه اگرچه اندکی خم می‌شود؛ اما پس از مدتی به حالت اولیه خویش بازگشته و نمی‌شکند:

وَجَدْتُهُ بَعْدَ ضِيَاعِ طَوِيلٍ / غَصْنَا طَرِيقًا دَائِمَ الإِخْضَارِ / تَأْوِي لَهُ الأَطْيَازُ / إِنْ عِبْرَتُ يَوْمًا بِه عَاصِفَةٌ / رَاعِدَةٌ مِنْ حَوْلِهِ رَاجِفَةٌ / مَالِ خَفِيفًا تَحْتَهَا وَانْحَى / أَمَامَهَا لَيْنًا / وَتَحْتَهَا الزُّوبَعَةُ القَاصِفَةُ / وَيَسْتَوِي الغَصْنُ كَمَا كَانَا / مَشْعَشَعِ الأَوْرَاقِ رِيَانَا / لَمْ تَنْخَطِمِ اعْصَافُهُ اللَّدْنَةَ / تَحْتَ يَدِ الرِّيحِ / وَيَمْضِي كَمَا / كَانَ كَأَنْ لَمْ تَنْتَبِهْ مَحْنَةً. (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۷۳)

(ترجمه: او را پس از دوری درازمدت، شاخه‌ای همیشه سبز یافتم / که پرندگان به آن پناه می‌آورند / اگر روزی طوفانی بر این درخت بگذرد / طوفانی غران و لرزان / این شاخه اندکی زیر آن طوفان تکان می‌خورد و در برابر آن با انعطاف پذیری خم می‌شود / در حالی که زیر این طوفان، گردبادی عظیم است / پس از عبور این طوفان، شاخه، مانند گذشته صاف می‌شود / حال آنکه برگ‌هایش تازه و برآقند / شاخه‌های نرم این درخت نمی‌شکنند / در زیر دستان باد / و درخت همچون گذشته می‌شود / گویی هیچ آزمون سختی آن را خم نکرده است.)

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، سبزی در این ابیات، نشان از امید به رویش و خیزش دوباره، مقاومت، امید به آینده و زندگی جدید برای سرزمین فلسطین و مردم آن داشته و می‌کوشد در بحبوحه نوامیدی فلسطینیان، بذر امید و انگیزه جهت ادامه مبارزه را پیرا کند.

۲-۱-۲. قرمز (احمر)

از نظر روان‌شناسان، رنگ قرمز، رنگی پویا و زنده است: «قرمز یعنی محرک اراده برای پیروزی در تمام شکل‌های شور زندگی و قدرت، از تمایلات جنسی گرفته تا تحولات انقلابی. قرمز از لحاظ

نمادین شبیه به خونی است که هنگام پیروزی ریخته می‌شود و همانند آتشی است که در روح انسان شعله‌ور می‌شود، نظیر خلق و خوی خون‌خوار و طبیعت مردانه است، اشتراک حسی آن به صورت میل و اشتها ظاهر می‌شود و محتوای عاطفی آن آرزو و آمال است» (لوچر، ۱۳۸۶: ۸۷) «رنگ قرمز رنگ عشق است و در اکثر دنیا تقریباً به همین مفهوم است» (بایار، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

در قرآن کریم نیز به این رنگ اشاره شده است: «... وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَعَرَايِبٌ سُودٌ» (فاطر / ۲۷)^(۶) اینک با توجه به ویژگی‌های این رنگ به بررسی و بازتاب آن در اشعار شاعران مورد بحث می‌پردازیم.

امین پور این رنگ را بسیار در شعر خود به کار برده است:

روزی دگر گذشت / امروز باز ما / در غایت غروب / یک آفتاب سرخ جنوبی را / بر شانه‌هایمان به نهایت خواندیم (امین پور، ۱۳۹۰: ۲۹-۳۰).

شاعر ایرانی در این شعر، سعی در ترسیم مراسم تشییع پیکر یک شهید داشته. او شهید را به آفتاب سرخ جنوبی تشبیه کرده است و با استفاده از رنگ سرخ به شهادت او اشاره می‌کند. امین پور در شعر «مرز بودن» با استفاده از واژگانی برگرفته از خانواده گفتمان دینی و گفتمان انقلاب و نیز با به کارگیری عنصر رنگ، جاودانگی را در مرگ سرخ (شهادت) می‌داند:

کو عمر خضر رو طلب مرگ سرخ کن کاین شیوه، جاودانه‌ترین طرز بودن است
(همان: ۳۹۵)

او شهید را انسان سرخی می‌داند که اگرچه سرخ و خون‌آلود بر خاک می‌افتد، اما این افتادن و فنای ظاهری، آغاز سرسبزی و زندگی جاودانه اوست:

این سبز سرخ چیست که می‌کارید؟ / هرچند سرخ سرخ به خاک افتاد / اما / این ابتدای سبزی او بود
(همان: ۳۳)

امین پور با آفرینش تصویرهای تازه و ناب و شدیداً حسی از این مرگ سرخ (شهادت) زندگی مادی را مرحله کالی و ناپختگی انسان دانسته و از شهادت به حادثه سرخ رسیدن تعبیر کرده و کمال آدمی را در آن می‌داند:

کالیم که سرسبز دل از شاخه بریدیم تا حادثه سرخ رسیدن نرسیدیم
(همان، ۱۳۹۰: ۳۰۷)

«غلبه ضمیر «ما» و افعال «جمع متکلم» در شعر این دوره امین‌پور گویای غلبه روح جمعی بر کلام اوست. این «ما» در تقابل با دشمن یک نوع مرزبندی گفتمانی را رقم می‌زند» (فتوحی، ۱۳۸۷: ۱۶).

فدوی طوقان نیز در یکی از شعرهایش رنگ سرخ (أحمر) را نماد شهیدان و همچنین نماد درد و رنجی که بر مردم فلسطین وارد شده است، قرار داده است:

تَفْتَحُ مَرْبُوهًا فِي الصَّبَاحِ / شَقَائِقَ حَمْرًا وَبَاقَاتِ وَرْدٍ / وَعَادَتِ إِلَى الْكُتُبِ الْمَدْرَسِيَّةِ كُلِّ سَطُورِ الْكِفَاحِ الَّتِي حَذَفُوهَا / وَعَادَتِ إِلَى صَفْحَاتِ الْحَرْيِطَةِ أَمْسَ الَّتِي طَمَسُوهَا (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۰۳).

(ترجمه: لباس بچگانه‌اش بامدادان از لاله‌های سرخ و دسته‌های گل شکوفا شد، تمام نوشته‌های مبارزه که حذف کرده بودند به کتاب‌های مدرسه بازگشت و نقشه‌های دیروزی که پاک کرده بودند به صفحه کتاب‌ها بازگشت.)

این قصیده در مورد دختر بچه‌ای به نام «منتهی» است که بی‌گناه به دست اشغالگران صهیونیست شهید شده است. فدوی با تعبیر «الشَّقَائِقُ الْحَمْرَاءُ» به خون ریخته شده بر پیکر دختر دانش‌آموز اشاره می‌کند و بر این باور است که این لاله‌های سرخ پیام‌آور مبارزه و آزادی‌اند. این شاعر در قصیده‌ای دیگر نیز رنگ سرخ را نماد خون‌های جوانان فلسطینی می‌داند که در جوی‌های این سرزمین در جریان‌اند، «اگرچه این خون‌های مقدس به واسطه گندابی که از اجساد برخی حاکمان بزدل و ترسوی عرب خارج می‌شود، آلوده شده و در حال حاضر اثرگذاری خود را از دست داده است» (ابوعلیان، ۱۹۹۸: ۱۸۵ و ۱۸۶).

هوت الشجرة/ عفو جداولنا الحمراء/ عفو جذور مرتوية/ بنبيذ سفحته الأشلاء/ عفو جذور عربية (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۱۹).

(ترجمه: درخت فروافتاد/ بدون اراده جوی‌های سرخ ما/ بدون اراده ریشه‌های سیراب/ به وسیله شرابی که جسدها آن را بر زمین ریختند/ بدون اراده مردم عرب)

۲-۱-۳. رنگ آبی (أزرق)

رنگ آبی، تأثیری آرام‌بخش بر سیستم عصبی انسان دارد و به هنگام بیماری و خستگی نیاز به این رنگ بیشتر احساس می‌شود. این رنگ بر مفهوم صلح، آزادی، نظم، رضایتمندی، معنویت، ایمان، امید و پیروزی دلالت دارد و نشان‌دهنده یکپارچگی، همدلی در تجربه زیباشناسی و آگاهی اندیشمندانه است. (ر.ک: لوچر، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹). رنگ آبی، نماد ایثار، صلح و آرامش است. آبی، رنگ معنویت و

ایمان، امید و پیروزی است (ر.ک: نیکویخت و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۱۷). این رنگ در قرآن کریم نیز

آمده است: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا» (طه/ ۱۰۲)^(۷)

رنگ آبی در شعر قیصر، نماد امیدواری و آرامش است. دل شاعر، ابتدا آبی بوده، سپس با زرد شدن دچار ناامیدی، غم و اضطراب گشته است:

اول آبی بود این دل آخر آما زرد شد

آفتابی بود، ابری شد، سیاه و زرد شد (امین پور، ۱۳۹۰: ۴۹)

رنگ آبی، تنها رنگی است که در شعر طوقان کاربردهای متفاوت و گاه دیر آشنا و متضادی یافته است؛ چراکه هم برای دلالت بر اندوه به کار رفته و هم نشانه شادی و خوشی است. به عنوان نمونه در بیت زیر «از وقوع حادثه‌ای مسرت بخش خبر می‌دهد. «رنگ آبی و پاکی آسمان» و «پرنده آبی»، در این بیت تصویرگر خرسندی و امید به آینده‌ای روشن است و پیروزی، آرامش و صلح را برای کشور خود به ارمغان می‌آورد» (ملاابراهیمی و آزادی، ۱۳۹۲: ۲۲۳).

هَفَّتْ حَمَامَةُ الزَّرْقَاءِ فِي طَهْرِ السَّمَاءِ (طوقان، ۱۹۹۳: ۱۵۲)

(ترجمه: کبوتر آبی در پاکی آسمان به پرواز درآمد.)

فدوی طوقان، گاهی نیز رنگ آبی را به عنوان رمزی برای نشان دادن اندوه درون خود برمی‌گزیند:

شُرْفَةُ الْمَبْنَى وَطَيْفَانِ يَطْلَانِ عَلَيَّ / لَيْلِ الْمَدِينَةِ / كَانِ فِي زَكَنِ حَقِيْبَةٍ / وَثِيَابٍ وَادِّكَارَاتٍ مِنَ الْأَرْضِ الْحَبِيْبَةِ / كَانَتْ الزَّرْقَةُ فِي عَيْنَيْهِ مَمْتَدَّ بُحْرَاتِ حَزِينَةٍ / وَالْأَسَى يَطْفَحُ مِنْ شَطَائِهَا مِلْحًا وَمَاءً (همان، ۲۰۰۵: ۴۸۲).

(ترجمه: ایوان ساختمان و دو سایه‌ای که نظاره‌گر شب شهر بود و در آن گوشه، چمدانش بود و جامه‌هایی و یادگاری‌هایی از وطن دل‌بند، آبی چشمانش، امتداد دریاچه‌های غمناک بود و اندوه از کرانه این دریاچه‌ها نمک و آب می‌ریخت.)

آبی موجود در چشمان، در کنار افق غم‌انگیزی که در کرانه‌های دریا امتداد دارند، بار معنایی منفی دارد. «رنگ آبی را در این بیت می‌توان نمادی از تجاوز صهیونیست‌ها دانست که اندوه، رنج و خفقان را در میان فلسطینیان گسترانیده است» (ملاابراهیمی و آزادی، ۱۳۹۲: ۲۲۳).

غیر از موارد یاد شده، رنگ آبی، فراوانی چندانی در دیوان دو شاعر مورد بحث ندارد. این رنگ در شعر آن‌ها برای اجزای طبیعت، چون دریا، قطرات باران، آسمان و نیز مضامینی چون آرامش، جاودانگی، امید به آینده، پیروزی و صلح به کار رفته است.

۲-۱-۴. رنگ سیاه (آسود)

رنگ سیاه، رنگ ماتم، اندوه، ضلالت، مرگ و گناه است. از نظر روان‌شناسان «رنگ سیاه سبب ایجاد غرور و در عین حال باعث کدورت روحی می‌شود. سیاه، رنگ غم و اندوه است. بدین جهت در عزاداری مورد استفاده قرار می‌گیرد، چون نماد غم است و غم و غصه را همیشه در درون انسان، حفظ می‌کند» (لوچر، ۱۳۸۶: ۹۷).

لوچر در کتاب روان‌شناسی رنگ‌ها می‌گوید: «سیاه، تیره‌ترین رنگ‌ها است و در واقع خود را نفی می‌کند. سیاه، نمایانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن، زندگی متوقف می‌گردد؛ لذا بیانگر پوچی و نابودی است. سیاه به معنی «نه» است و نقطه مقابل «بله» رنگ سفید است. سفید، همانند صفحه خالی است که باید داستان را روی آن نوشت؛ ولی سیاه، نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیزی وجود ندارد» (لوچر، ۱۳۸۶: ۹۷). در قرآن کریم نیز این رنگ، برای چهره مشرکان و منافقان به کار گرفته شده است: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ... بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ» (آل عمران/ ۱۰۶)^(۸)

امین‌پور، رنگ سیاه را نماد ستم و بیداد می‌داند. وی در شعر «حکم آغاز طوفان» می‌گوید:

تیغ مردان خورشید در مشت کورسوی شب تیره را کشت

(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۵۴)

او در این شعر، با عبارت «تیغ مردان خورشید در مشت» اشاره‌ای به مبارزه رزمندگان ایران در برابر دشمن کرده است. شب تیره، نماد دشمن است که این مبارزان به مقابله با آن پرداخته و او را کشته‌اند. این شاعر در شعر «حسرت پرواز» رنگ سیاه را نماد غم و اندوه قرار داده است و می‌گوید:

از روی یکرنگی شب و روزم یکی شد هم‌رنگ بختم تیره رختِ سوگ و سورم

(همان: ۶۱)

همان‌طور که گفته شد، رنگ سیاه نماد غم و حزن و اندوه است، شاعر در این شعر بخت خود را به رنگ سیاه تشبیه کرده است، رنگی که در غم و شادی همیشه بر تن دارد و نشان از غم همیشگی شاعر است تا جایی که حتی در مراسم جشن هم رخت سیاه را از تن در نمی‌آورد.

نمونه دیگری که قیصر در آن رنگ سیاه را نماد حزن و اندوه و عزا قرار داده، این بیت است:

اما چرا آهنک شعرهایت تیره/ و رنگشان تلخ است! (همان، ۱۳۹۰: ۲۳)

این رنگ در بسیاری از اشعار فدوی به ویژه در اشعار سیاسی وی دیده می‌شود که گاه در معنای حقیقی و گاه در معنای مجاز و نماد به کار گرفته شده‌اند:

وجهُ خُزیران إربد/ زخِ المطرِ الأسود/ وهناک علی أطرافِ الأفق/ هَوَتْ وتعلقتِ اللعنةُ (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۰۷).
(ترجمه: چهره ژوئن، غبار آلود است، باران سیاه، فروباریده، آنجا که در کرانه‌های افق، لعنت فروباریده و آویخته شده است.)

در این شعر، عبارت «المطر الأسود» یا باران سیاه، نماد انسان‌های متجاوز و ستمگر است که چون بارانی سیل آسا به سرزمین‌های عربی جاری شده و بدبختی و آوارگی را برای مردم فلسطین به وجود آورده‌اند. وی در قصیده‌ای دیگر این رنگ را در کاربرد مشابه به تصویر می‌کشد و می‌گوید:

یا سید^(۹) یا مجد الأکوان/ فی عیدک تُصلبُ هذا العام/ افراخِ القدس/ صَمَتَتْ فی عیدک یا سید کلِّ الأجراس/ من ألفی عامٍ لم تَصمت/ فی عیدک إلا هذا العام/ فقیابُ الأجراسِ حدادٌ/ وسوادٌ ملتفتٌ یسواد (همان: ۴۴۹).
(ترجمه: ای آقا! ای فخر کائنات! امسال در عید تو/ شادی‌های قدس به دار آویخته شدند، ای آقا! در شب تولدت تمام ناقوس‌ها خاموش شدند، دو هزار سال است که در شب تولدت خاموش نشدند، به جز امسال که گنبد ناقوس‌ها عزادار است و مویه سر می‌دهد و سیاهی در سیاهی پیچیده است.)

شاعر با این واژه‌ها شرایط نامناسب مردم سرزمینش را به نمایش گذاشته است و می‌گوید: «آنجا سراسر غم و اندوه حاکم است و مردم به جز شکیبایی و تحمل سختی‌ها کاری از دستشان بر نمی‌آید. ناقوس‌ها هم از شدت غم طنین حزن و اندوه می‌پراکنند.» طوقان معتقد است آنان که روزی با به دار آویختن حضرت مسیح (ع) مرتکب گناه شدند، این بار با به صلیب کشیدن شهر قدس بار دیگر خود را به گناه آلوده کردند.

۲-۱-۵. رنگ زرد (أصفر)

زرد، یکی از رنگ‌های گرم است و اوج افروختگی، تابندگی و اشراق را نشان می‌دهد. درخشنده‌ترین و نورانی‌ترین رنگ‌هاست؛ چرا که رنگ خورشید منبع نور، منشأ گرمی و زندگی، فعالیت و سرور است. (ر.ک: عبدالوهاب، ۱۹۸۵: ۵۰) رنگ زرد، به خاطر ارتباطش با سفیدی پیوسته با خیزش و فعالیت همراه است و از مهم‌ترین خصائص آن درخشش و پرتوافکنی است. (ر.ک: مختار عمر، ۱۹۹۷: ۱۸۴). «زرد، رنگ وقار، آرامش، راحتی، صداقت، حکمت، اخلاص و تفکری است که انسان را به تخیل آرام و تأمل باطنی فرامی‌خواند» (الشاهر، ۲۰۰۲: ۱۴).

صفات اصلی رنگ زرد، عبارتند از روشنی، کیفیت درخشان و شادمانی زودگذر آن. زرد نمایان‌گر توسع طلبی بلامانع، سهل گرفتن یا تسکین خاطر است. (لوچر، ۱۳۸۶: ۹) در فرهنگ و ادب فارسی رنگ زرد، رنگ ابدیت و جاودانگی و در فرهنگ جهانی رنگ رشک، خیانت، یأس، بلا و ناامیدی است. (ر.ک: نیکوبخت و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۱۹).

قیصر رنگ زرد را نمادی برای جدایی می‌داند و با اشاره تلویحی به پاییز که زمان جدایی برگ از درخت است به جدایی از دوستان شهید خود اشاره می‌کند:

افتاد / آن‌سان که برگ / - آن اتفاق زرد - / می‌افتد. (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۷۲)

وی در جای دیگر نیز رنگ زرد را به عنوان یک نماد با مفهومی منفی و سلبی به کار برده است:

سراپا اگر زرد و پژمرده‌ایم / ولی دل به پاییز نسپرده‌ایم

(همان: ۳۱۴)

شاعر در این شعر نیز با وجود پژمردگی و زردی، همچنان مقاوم و پایدار ایستاده و دل به خزان نسپرده است. زرد در این شعر می‌تواند، نماد پیر شدن، ضعف جسمانی، غم و دردمندی باشد. شاعر بیان می‌کند که با وجود همه مشکلات روحی و جسمی دچار یأس و ناامیدی نشده است.

امین‌پور در شعر «باران زرد» گوشه‌ای از جنایات صدام را در جریان بمباران شیمیایی شهرهای ایران به تصویر می‌کشد. امین‌پور باران زرد را برای بمباران شیمیایی نماد قرار داده است:

اخبار تازه را شنیده‌ای؟ / گفتند: / وضع هوا خراب است / گفتند: آسمان همه‌جا ابری است / گفتند: / از سقف‌های کاذب سربی / باران زرد / باران شیمیایی / می‌بارد. (همان: ۳۳۱)

فدوی نیز این واژه «زردی» را رمزی برای غروب، ناامیدی و غم و اندوه در اشعار خود به کار برده است. وی در قصیده «رقیه» می‌گوید:

۱. تَدَلَّتْ عَنِ الْأُفُقِ أُمُّ الضِّيَاءِ	مَلْمَعَةً بِاصْفَرٍ كَثِيبٍ
۲. وَقَدْ لَمَلَمَتْ عَنْ صُدُورِ الْمُضَابِ	وَهَامِ السَّلَالِ ذُبُولِ الْغُرُوبِ
۳. وَجَرَّتْ خَطَاهَا رَوِيداً رَوِيداً	وَأَوَمَّتْ إِلَى شُرُفَاتِ الْمَغِيبِ

(طوقان، ۲۰۰۵: ۱۵۳)

(ترجمه: ۱. از سوی افق نوری پوشیده از زردی و ناامیدی پدیدار شد ۲. و از سینه‌کش بلندی‌ها و روی تپه‌ها دامنه‌های غروب را برچید ۳. و آرام آرام گام‌هایش را کشید و رو به بلندی غروب نهاد).

۲-۲. شب، نماد دشمن

شب، نماد مشترکی است که در شعر قیصر امین‌پور و فدوی طوقان برای اشاره به دشمن به کار رفته است. امین‌پور در قطعه‌ای با نام «رجز هجوم» که در توصیف حمله رزمندگان به دشمن سروده است، شب را نماد دشمن دانسته است:

بر گرده گردباد رانند	ناگه رجز هجوم خواندند
شمشیر به آسمان رساندند	شستند به خون شب زمین را
در مزرعه بذر جان فشاندند	تا باغ جنون ثمر دهد باز

(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۴۰۴)

شاعر ایرانی در این شعر به توصیف حمله رزمندگان به دشمن می‌پردازد و از شستشوی زمین با خون دشمن، سخن می‌گوید. او بیان می‌کند که رزمندگان در راه رسیدن به خواسته خود - پیروزی بر دشمن - از فدا کردن جان خویش هم فروگذار نکرده‌اند.

«رهبری ایران جنگ ایران و عراق را در همان ابتدا، جنگ حق و باطل دانست؛ هویت خودی در برابر دشمن به‌سان هویت یک مسلمان با کافر تعریف شد. در واقع در نزد جامعه و دولت انقلابی، صدام و حزب بعث تجسم ضدیت با اسلام بودند.» (ولی‌پور رزومی، ۱۳۸۴: ۱۲۰). امین‌پور در شعر «طلوع» شب را نماد دشمن قرار داده و همچنین برای نشان دادن سنگدلی دشمن، او را به کافر مانند می‌کند:

ز خون عاشقان رنگین شد آفاق	درخشان شد رواق قیرگون طاق
شب کافر فروشد در سیاهی	به عقل سرخ ^(۱۰) سرزد شیخ اشراق

(امین‌پور، ۱۳۹۰: ۴۵۷)

امین‌پور، خون شهید را عاملی برای رهایی وطن از دست دشمن می‌داند؛ اشراق در اینجا دارای دو معنا است، از یک‌سو می‌تواند، دلالت بر شیخ شهاب‌الدین سهروردی یا همان شیخ اشراق داشته باشد و از سوی دیگر، می‌تواند ناظر بر طلوع خورشید باشد؛ لذا می‌توان گفت قیصر با دو واژه شب (نماد شب) برای دشمن و اشراق (نماد آزادی) توانسته است، پیروزی بر دشمن را به خواننده منتقل کند.

شب در شعر مقاومت فلسطین نماد خشونت، وحشیگری‌های دشمن، تاریکی، ظلم و ستم، اندوه و مرگ است. فدوی آن را نماد دشمن ستمگر و بیدادگری می‌داند که چهره زشت، پلید و سیاهش بر تمامی سرزمین فلسطین سایه افکنده است:

يا رفيقي نَحْرَ اللَّيْلِ الْقَمَرِ / أنت لو حَدَقْتَ في مِرآة قَلْبِي / لم تَجِدْ فيها مَقَرَّ / لَسَوَى الوجه الذي هَسَمَهُ اللَّيْلُ / يُعْطِي كُلَّ قَلْبِي / كيف دَارَتْ هذه الدنيا بنا؟ / كيف كُنَّا؟ / حُبُّنا كان وليدًا، هل نَمَّا / وسطَ الهولِ وفي قلبِ الحَطَرِ؟ / وَطَنِي كانت تَغْطِيهِ مِياهُ اللَّيْلِ، كان / قَلْبُهُ الصَّمْتُ في ليلِ الهزيمَةِ / ذاهلاً أَسِيانَ؛ كان الدَّمُ في / الجُدُرِ باقاتِ ورود (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۷۹-۴۸۰)

(ترجمه: ای دوست من! شب، سرِ ماه را بریده است، تو اگر به آئینه دلم خیره شوی، در آنجا چیزی جز رخساری که شب آن را ویران ساخته، می‌بینی، رخساری که تمام قلبم را می‌پوشاند، این روزگار چگونه ما را گرداند؟ چگونه بودیم؟ عشق ما نوزاد بود آیا این نوزاد در میان ترس در قلب خطر بالیده است؟ وطنم را آب‌های شب می‌پوشاند، قلب خاموش وطنم در شب شکست، سرگردان و پریشان بود، خون بر در دیوار بود، چون دسته‌های گل.)

فدوی طوقان، در این ابیات، شب را نماد دشمن و ماه را نماد مردم مظلوم فلسطین، قرار داده است. شاعر همچنین قلب خود را به سرزمین فلسطین تشبیه کرده است که نظامیان صهیونیست همه آن را خراب و ویران کرده‌اند. وی بار دیگر، با عبارت «مِياه اللَّيْلِ» دشمن را به آب‌های شب، تشبیه می‌کند که وطنش را فرا گرفته‌اند و هرگونه جنایتی را در حق مردم مظلوم آن مرتکب می‌شوند و شاعر نیز از همین روی دل‌شکسته است.

همان‌طور که ملاحظه شد، هر دو شاعر، شب را نماد دشمن در نظر گرفته‌اند؛ اما با صفت‌های متفاوت. امین‌پور شب را با صفت کافر و فدوی طوقان شب را با وصف جلاد برای خواننده ترسیم کرده‌اند که نوع این صفت‌ها و تفاوت موجود در آن‌ها می‌تواند ریشه در تفاوت نگاه دو شاعر به دشمن، مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی حاکم بر عصر آن‌ها و نیز اختلاف ماهیت دشمنان دو شاعر داشته باشد.

۲-۳. جنگل، نماد وطن

وطن، یکی از ارکان اصلی شعر مقاومت است. شاعران مقاومت برای اثبات عشق و علاقه خود به وطن، عناصر مختلفی را با زبان نمادین در شعر خود به کار می‌برند. جنگل یا درخت، نماد مشترکی است که در شعر طوقان و امین‌پور در باب وطن به کار رفته است. شاید بتوان علت انتخاب مشابه این دو شاعر را بزرگی، استواری و عظمت جنگل دانست. امین‌پور، این نماد را در شعر «قطعنامه جنگل» این‌گونه به نمایش گذارده است:

طوفانی از تیر/ ناگه به جان جنگل افتاد/ و هرچه را که کاشته بودیم/ طوفان به باد داد/ در گرگ و میش آتش و خاکستر/ جنگل بلند و سبز به پا خاست/ و با تمام قامت/ این قطعنامه را/ با نعره‌ای بلند و رسا خواند/ جنگل هجوم طوفان را تکذیب می‌کند!!/ جنگل هنوز جنگل است/ جنگل همیشه جنگل خواهد ماند. (امین پور، ۱۳۹۰: ۱۱۷-۱۱۸)

امین پور در این شعر حمله‌های پی در پی دشمن را به تبه‌هایی تشبیه می‌کند که به جان جنگل افتاده‌اند و جنگل، نماد وطن پایدار است. وی در ادامه می‌گوید: ملت مقاوم و پایدار ایران در برابر حمله‌های دشمن می‌ایستند و در پایان شعر، اعلام می‌کند که جنگل (وطن) همیشه آباد خواهد ماند. او با تکرار واژه «جنگل» سعی در اثبات هویت وطن خود دارد.

جنگل و درخت در شعر فدوی هم می‌تواند نماد وطن و امت عربی باشد:

تَتَصَادَى بِالْبِشْرَى الْأَنْبَاءُ: / هَوَتْ الشَّجْرَةَ / وَجَذَعُ الطَّوْدُ تَحْمَطَمَ، لَمْ تَبْقَ / الْأَنْوَاءُ / بَاقِيَةً تَحِيَاها الشَّجْرَةَ / هَوَتْ الشَّجْرَةُ؟ / عَفْوُ جِدَاوِلِنَا الْحَمْرَاءُ / عَفْوُ جَذْوَرٍ مَرْتَوِيَةٍ / بِنَبِيذٍ سَفَحْتَهُ الْأَشْلَاءُ / عَفْوُ جَذْوَرٍ عَرَبِيَّةٍ / تُوَعِّلُ كَصَخُورِ الْأَعْمَاقِ / تَمُدُّ بَعِيداً فِي الْأَعْمَاقِ / سَتَقُومُ الشَّجْرَةُ / سَتَقُومُ الشَّجْرَةُ وَالْأَغْصَانُ / سَتَنْمُو فِي الشَّمْسِ وَتُخَضَّرُ (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۱۹ و ۲۲۰)

(ترجمه: دشمنان به هم مژده می‌دهند که درخت فروافتاد و تنه بلندقامتش درهم شکست. تندبادها چیزی - زمینی - باقی نگذاشتند تا درخت بتواند در آن زندگی کند، درخت فروافتاد/ بدون اراده جوی‌های سرخ ما/ بدون اراده ریشه‌های سیراب/ به وسیله شرابی که جسدهای حاکمان بزدل و ترسوی عرب، آن را بر زمین ریختند/ بدون اراده مردم عرب، ریشه‌های عربیتی که چون صخره‌ها در اعماق فرومی‌رود/ درخت برخواهد خاست/ درخت و شاخه‌ها به پا خواهند خاست/ و در آفتاب بزرگ و سبز خواهند شد.)

فدوی طوقان، این قصیده را چند هفته پس از شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷م. در جواب روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های بیگانه و مخالف که این جنگ را پایان عمر امت عربی می‌دانستند سرود (ر.ک: یاغی، ۱۹۸۱: ۱۵۸). در این شعر، وطن عربی و ملت عرب، به درختی سترگ و ریشه‌دار تشبیه شده که اگرچه ساقه‌های آن قطع شده؛ ولی هنوز ریشه‌هایش در اعماق زمین پا برجا هستند و بار دیگر ساقه جدید می‌روایند. این درخت با وجود کارشکنی‌های برخی سران بزدل و ترسوی عرب، به پا خواهد خاست و از چنگال صهیونیست‌ها نجات خواهد یافت. این شاعر در جایی دیگر، درخت سیب را استعاره از وطن خود می‌داند که پس از حمله اشغالگران تبدیل به درخت تلخ جهنمی (زقوم) شده است:

آه یا حیّ الغریب / آه یا حیّ لماذا؟ / أصبح وطنی بابًا لسقر؟ / ولماذا شجرُ التفاح صارَ اليومَ / زَقومًا لماذا / ... (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۴۸)

(ترجمه: آه ای عشق شکفت‌انگیز من / آه ای عشق من / چرا وطن من تبدیل به دروازه‌ای برای جهنم شد؟ / و چرا امروز درخت سیب / به درخت تلخ جهنمی (زقوم) بدل گردید؟ / چرا؟ ...)

همان‌طور که می‌بینیم فدوی در اشعار خود از رمز استفاده کرده است؛ «اما این رمز، دارای پیچیدگی و غموضی همچون غموض اشعار دیگر شاعران معاصر نیست؛ شاید اینکه شاعر در شرایط اشغال کشورش قرار گرفته، او را به سوی رمز کشانده است.» (سیدی، ۱۳۹۱: ۱۹۲)

هر دو شاعر، جنگل و درخت را نماد وطن، قرار داده‌اند. در شعر امین‌پور علی‌رغم حمله بی‌رحمانه دشمن - و قطع شدن درختان جنگل به وسیله تبر که نماد دشمن است - این جنگل، همچنان مقاومت می‌کند. شاعر آغاز شعرش را با واژه «ناگهان» شروع کرده که دلالت بر حمله ناگهانی عراق به ایران دارد. فدوی طوقان نیز حمله صهیونیست‌ها به وطن را به قطع شدن درختان، مانند کرده است؛ اما وطنش ریشه در اعماق زمین دارد و به سادگی تسلیم دشمن نخواهد شد و بار دیگر ساقه و برگ می‌رویانند و بزرگ می‌شود. در واقع می‌توان گفت: هدف هر دو شاعر، زنده کردن امید به پیروزی و مقاومت در برابر حملات دشمنان است که این هدف را به درستی در شعر خود جلوه‌گر ساخته‌اند.

۲-۴. فراخوانی شخصیت‌های تاریخی متجاوز

با نگاهی گذرا به تاریخ چند هزار ساله بشر، می‌توان دریافت که در طول تاریخ شخصیت‌هایی بوده‌اند که به واسطه روحیه تهاجمی خود همواره کوشیده‌اند ملت‌ها را مطیع خود سازند. این افراد دستاویز مناسبی برای شاعران مقاومت شده‌اند؛ چراکه با اشاره به این شخصیت‌ها، می‌توانند به زبان رمز، نماد و استعاره به شخصیت‌های امروزی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر منفی، خود قرار داده‌اند، اشاره کنند. «ضمن آنکه این شخصیت‌های رمزی قادر هستند که بار سنگینی از مفاهیم را حمل نموده و منتقل کنند؛ و به حوادث عادی زندگی رنگی فلسفی بزنند. در واقع این شخصیت‌ها، مجموعه‌ای از دین، فرهنگ عامیانه، جامعه‌شناسی، تحلیل روانی و تاریخ را در خود جای می‌دهند.» (رجائی، ۱۳۸۱: ۴۴)

امین‌پور از بازآفرینی شخصیت‌های ظالم بهره برده و نمرودیان را نماد دشمن قرار داده است: نمرودیان همیشه به کارند / تا همیشه‌ای به حیطة آتش بیاورند / اما ما را از آزمایش آتش هراسی نیست / ما بارش همیشه باران کینه را / با چترهای ساده عربانی / احساس کرده‌ایم. (امین‌پور، ۱۳۹۰: ۳۷۴)

قیصر، نمرود را نماد دشمن معرفی می‌کند و اعلام می‌دارد اگرچه دشمنان سعی دارند، آتش جنگ و فتنه را روشن نگه دارند و به آن دامن بزنند؛ اما رزمندگان از این آتش هراسی ندارند و در مقابل آن ایستادگی می‌کنند. وی راه مقابله در برابر دشمن را ایستادگی و مقاومت می‌داند. شاعر با ادعای عدم هراس از دشمن به گونه‌ای غیر مستقیم او را به تحدی فرامی‌خواند. استفاده از واژه «همه» نیز تصویری باستان‌گرایانه و آرکائیک به شعر بخشیده است، زیرا این واژه از واژه‌های قدیم زبان امروز بوده است و امین پور با وارد کردن آن در شعر معاصر به این کلمه، زندگی دوباره بخشیده است. در ضمن در همین قطعه با استفاده از ترکیب «باران کینه» شدت حملات و فتنه‌های دشمن را به بارانی با قطره‌هایی از جنس کینه تشبیه کرده است.

شاعر مقاومت فلسطین نیز تتر (تاتارها) را نماد دشمن و یهودیان تجاوزگری قرار داده است که با خشونت و وحشیگری فلسطین را به اشغال خود درآورده‌اند:

كانتُ لنا أرضٌ هناكَ/ بيارةً، حُقُولُ فَمَحٍ تَرْمِي مَدَّ البَصَرِ/ تعطي ابي خيراتها/ القمح والنمز/ كان ابي يُجْبها، يُجْبها/ كان يقولُ: لن ابيعها حتى/ ولو أُعطيْتُ مالاها ذهب/ واغتصَبَ الأرضَ التتر/ وماتَ جدك الحزين يا صغيري/ مات ابي من خُزنه/ كانتُ جدوره تغوصُ في قرار ارضيه/ هناكَ في بيسان^(۱۲) (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۴۵).

(ترجمه: ما در آنجا سرزمینی داشتیم، باغ پرتقالی و تا چشم کار می‌کرد، گندم‌زار محصولاتی از جمله گندم و میوه، به پدرم می‌داد، پدرم عاشق زمین بود، دوستش می‌داشت، می‌گفت هرگز نمی‌فروشم حتی اگر هم وزن آن را طلا بدهند و تاتارها زمین را به تاراج بردند، دخترک کوچک من پدر بزرگ غمگین تو مُرد، پدرم از ناراحتی اش مرد، او در این زمین ریشه دوانیده بود، آنجا در بيسان).

شاعر، یهودیان را به مغولانی تشبیه می‌کند که علی‌رغم مخالفت مردم با فروش زمین‌هایشان سرزمین فلسطین را به زور غصب کردند. شاعر با ترسیم موضع پدر خود در قبال فروش زمینش به یهودیان و اینکه حتی حاضر نیست در برابر طلای زیاد آن را بفروشد و در نهایت نیز از اندوه زمین غصب شده‌اش دق کرد، به مصمم بودن فلسطینی‌ها در حفظ وطن خود اشاره می‌کند.

یکی دیگر از نمادهای سیاسی و تاریخی که در شعر فدوی به چشم می‌خورد، نازی و نازیسم است. نازی، نمونه‌ای از حکومت استبدادی است که از سوی یک گروه یا شخص خاص بر مردم حاکم شود و اصل این حکومت به زمان هیتلر در آلمان بازمی‌گردد (ر.ک: پی‌یر، ۱۹۸۲: ۱۷). فدوی طوقان در یکی از قصائدش، ضمن مقایسه صهیونیست‌ها با نازی‌ها به برخورد وحشیانه آن‌ها با ملت ستم‌دیده

فلسطین اشاره می کند و آن ها را بسیار خطرناک تر از نازی ها می داند. نازی در شعر فدوی، نماد استبداد کامل است که با یهود همسویی و همگرایی دارد:

أَحْتِي الصَّغَارَ خَلْفَ النَّهْرِ يَا أَحَبِّي / عِنْدِي أَقَاصِيصٌ لَكُمْ كَثِيرَةٌ / غَيْرَ حِكَايَاتِ سِنْدِ بَادِ الْبَحْرِ / غَيْرَ قِصَّةِ الْجَنِيِّ وَالصَّيَادِ /
 وَقَمَرِ الزَّمَانِ وَالْأَمِيرِ / عِنْدِي أَقَاصِيصٌ هُنَا جَدِيدَةٌ / أَخَافُ لَوْ أُرَوِي لَكُمْ أَحْدَاثَهَا / أَطْفِئْ فِي عَالَمِكُمْ ضِيَاءَهُ / أَخَافُ أَنْ
 أُرَوِّعَ الطِّفْلَةَ / أَهْزِ فِي جَزِيرَةِ الْبِرَاءَةِ / رِوَايَةَ الْأَمَانِ وَالسَّكِينَةِ / أَخْشَى عَلَى دُنْيَاكُمْ الصَّغِيرَةَ / مِنْ قِصَصِ السَّجِينِ وَالسَّجَانِ /
 مِنْ قِصَصِ النَّازِيِّ وَالنَّازِيَّةِ / فِي أَرْضِنَا، فَإِنَّهَا رَهِيْبَةٌ / يَشِيْبُ يَا أَحَبَّتِي لِهَوْلَا الْوَلْدَانِ (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۴۷)

(ترجمه: دوستان کوچک آن سوی رودم! ای دوستانم! قصه های زیادی برایتان دارم، غیر از ماجرای سندباد دریا، غیر از قصه های جن و صیاد و ماه زمان و شاه پری، قصه هایی تازه دارم می ترسم اگر تازه های آن را بگویم، روشنی دنیایان را بگیرم، می ترسم کودکان را به وحشت اندازم و در جزیره معصومیت و بی گناهی، کوه های امنیت و آرامش را بلرزانم، برای دنیای کوچکتان می ترسم، از قصه های زندانی و زندانبان از قصه های نازی و نازیسم، در سرزمین ما چراکه آن ها وحشت انگیزند و ای دوستان من! کودکان از ترس آن پیر می شوند.)

۳. نمودار بسامد نماد رنگ در شعر دو شاعر و تحلیل آن



۴. نتیجه

۱. مهم ترین نمادهای مقاومت دو شاعر شامل رنگ ها و عناصر طبیعت، مانند جنگل به عنوان رمز وطن و شب به مثابه نماد دشمن می باشد. این دو شاعر شخصیت های منفور تاریخی، همچون نمرود، تاتارها و نازی ها را به عنوان نمادهایی ملموس از دشمنان خود قرار داده اند.

۲. طوقان و امین پور با استفاده از خصوصیات فیزیکی، اجتماعی و سیاسی رنگ ها، آن ها را به شکلی گسترده در تصویرپردازی خود به ویژه در حوزه مقاومت به کار گرفته اند.

۳. رنگ سبز در اشعار قیصر نماد طراوت و شادابی، همچنین رنگ لباس شهیدان است. فدوی رنگ سبز را برای توصیف سرزمین خود و مصادیق طبیعی آن همچون درخت، زیتون، مرغزار، دشت و مفاهیمی چون شادی و سرور، حرکت، بالندگی، رشد و تجدّد، بهار، امید به پیروزی و آزادی به کار می‌برد. رؤیاهای آرمان‌ها و هر آنچه زیباست از منظر فدوی سبز به نظر می‌رسد.

۴. رنگ قرمز در شعر امین پور نماد آفتاب سرخ جنوب و شهادت است. این رنگ با رویکرد تغییر و تصرّف در جهان، بالحنی حماسی و در قالب افعالی کنشی و حرکتی نمود یافته است. فدوی نیز رنگ قرمز را نماد خون و شهادت گرفته است. رنگ قرمز نمایانگر اعتراض، خشم و حرکت نیز هست.

۵. رنگ آبی برای قیصر نماد آرامش و امیدواری است. این رنگ برای اجزای طبیعت چون دریا، قطرات باران و آسمان به کار رفته است و در شعر فدوی علاوه بر دلالت بر امید به آینده و آرامش و صلح، برای نشان دادن اندوه درون نیز به کار گرفته شده است.

۶. در شعر قیصر، رنگ سیاه، نماد ظلم و بیداد، دشمن و حزن و اندوه است. سیاهی و مصادیقی که وابسته به این رنگ‌اند، چون شب و طوفان در شعر فدوی نشان صهیونیسیم متجاوز است. زشتی‌ها، پلیدی‌ها، شرارت‌ها و بدی‌ها از نظر او در سیاهی تبلور می‌یابد.

۷. رنگ زرد در شعر قیصر نماد جدایی و در شعر طوقان نشانه ناامیدی و اندوه است.

۸. در اشعار قیصر دو رنگ سرخ و سبز، بیشترین کاربرد را دارند. اما در شعر طوقان دو رنگ سیاه و سبز بالاترین بسامد را دارند. ضمن آنکه رنگ آبی، بسامد چندانی در دیوان دو شاعر ندارد. شاعر فلسطینی همانند امین پور از رنگ زرد کمترین استفاده را کرده است.

۹. ارتباط متقابل و تشابهات موجود میان دو ملت ایران و فلسطین به ویژه در ادبیات مقاومت موضوع بسیار مناسبی جهت پژوهش‌های تطبیقی است.

۱۰. با بررسی دیوان فدوی طوقان و مجموعه اشعار قیصر امین پور روشن شد که رنگ، نقشی ممتاز در اشعار دو شاعر دارد و شاعران با توجه به خصوصیات فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی رنگ‌ها آن‌ها را به شکلی گسترده در تصویرسازی‌های خود به کار گرفته‌اند. فدوی با استفاده از رنگ‌های مختلف توانسته است فضای سیاسی حاکم بر سرزمین اشغالی که آکنده از درد و رنج، خفقان، خون و قیام است را به خوبی به تصویر بکشد. قیصر نیز با نماد قرار دادن عناصر طبیعت، شخصیت‌های تاریخی و نیز رنگ‌های مختلف توانسته معانی و مفاهیم آرمان‌گرایانه خود را که مربوط به دوره اول شاعری اوست، به خوبی به خواننده منتقل کند.

۵. پی‌نوشت‌ها

(۱) فدوی طوقان در سال ۱۹۱۷ در فلسطین دیده به جهان گشود. (معجم الباطین، ۲۰۰۲: ۷۸۶) برادرش ابراهیم طوقان، از طایفه داران شعر معاصر فلسطین و از شاعران انقلابی فلسطین است. فدوی را پیشکسوت‌ترین شاعر پر آوازه فلسطین لقب

داده‌اند (طوقان، ۱۳۷۵: ۱۳). وی در شهرت شاعری، همتای هم‌وطنش «سلمی خضراء الجیوسی» است که به تعبیر دکتر شفیعی کدکنی هر دو از بهترین شاعران زن هستند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۰۶). فدوی متأثر از مکتب رمانتیسم است. زندگی شعری فدوی او را به دو مرحله عاشقانه‌سرایی و ستیزانه‌سرایی تقسیم می‌کنند (پیشین: ۱۰) در مرحله اول بیشتر به موضوعات فردی پرداخته شده است؛ اما شاعر در مرحله دوم زندگی شعری خود، بیشتر به موضوعات اجتماعی پرداخته است، شعر فدوی سرشار از حقایقی بنیادی است که ما را وامی‌دارد که شعر او را - پیش از شکست و پس از آن - شعر پایداری بخوانیم. چهره قهرمانی در شعر او، پیش از شکست اعراب از اسرائیل در ژوئن ۱۹۶۷ و پس از آن شکست یکی است. او در بیشتر کارهایش، چه پیش از شکست و چه پس از شکست، نسبت به بُعد قومی، بدون غفلت از بُعد اجتماعی پافشاری کرده است. از حیث لغت، فدوی گرایش به کاربرد لغات نزدیک به زندگی روزمره دارد و شاید قصد وی از این کار، تأثیرگذاری هرچه بیشتر بر روی خوانندگان باشد.

(۲) قیصر امین‌پور در ۱۳۳۸ در خوزستان چشم به جهان گشود (محمدی روزهانی، ۱۳۸۹: ۴۳). او یکی از شاعران دوره جنگ و دفاع مقدس است. «بینش و نگرش او در شعر بر اخلاق و عرفانی که خاص اوست استوار است» (شریفیان، ۱۳۸۸: ۴). فرهنگ زبان امین‌پور، فرهنگی عمومی است که در هر زمان تصویری زنده و با زبانی جدید به دست خواننده می‌دهد. از مؤلفه‌های اصلی شعر قیصر امین‌پور استفاده از سازه‌های زبان و گفتار عامیانه مردم است. کلام او سیال و روان و در عین زیبایی عاری از هرگونه پیچیدگی کلام است. (محقق، ۱۳۸۷: ۲۴) دایره لغوی زبان شعر امین‌پور به دلیل آشنایی او با ادبیات کلاسیک و نیز استفاده از زبان و کلمات عامیانه بسیار وسیع است. ادراکات و تجارب عینی تازه و از مقیاس روز جامعه سخن گفتن، حوزه واژگانی شعر امین‌پور را بسیار گسترده‌تر از دیگر شاعران انقلاب اسلامی کرده است. «حیات شعری او در سه دوره انقلابی، حماسی و رمانتیکی خلاصه می‌شود» (یوسف‌نیا، ۱۳۸۶: ۶۲).

(۳) خوانگریو: مرگب از دو کلمه «خواندن» و «گریستن»، ابیات محلی است که معمولاً زنان محلی در سوگواری می‌خوانند و می‌گریند.

(۴) لباس‌هایی با رنگ سبز از حریر نازک بر تن می‌کنند.

(۵) شاعر این قصیده را چند هفته پس از شکست اعراب از اسرائیل در سال ۱۹۶۷ در جواب خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های بیگانه به ویژه غربی‌ها سروده است. در این شعر، منظور از عبارت «از آسمان‌های غربی گذشت» جو حاکم بر رسانه‌های کشورهای غربی و خوشحالی آن‌ها از شکست اعراب از اسرائیل است.

(۶) و از کوه‌ها نیز جاده‌هایی آفریده شد، سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف و گاه به رنگ‌های کاملاً سیاه.

(۷) روزی که در صور اسرافیل دمیده می‌شود و مجرمان را کبود چشم در آن روز جمع می‌کنیم.

(۸) روزی بیاید گروهی «مؤمنان» روسفید و گروهی «کافران» روسیاه می‌باشند؛ اما سیه‌رویان را نکوهش کنند که چرا کافر شدید، بعد از اینکه ایمان آوردید. پس اکنون بچشید، عذاب خدا را به کیفر کفر و عصیان.

(۹) «سید» در نظر فدوی، حضرت عیسی (ع) می‌باشد که او را نمادی برای شهر قدس آورده است؛ شهری که به دست جلاّدان یهودی همانند حضرت عیسی (ع) به دار آویخته شده است.

(۱۰) عقل سرخ یکی از آثار شیخ شهاب‌الدین سهروردی است.

(۱۱) بیسان از شهرهای قدیمی فلسطین است، اما جغرافی دانان دوره اسلامی، بیسان را از شهرهای اردن نوشته‌اند. (ابن خردازبه، ۱۹۶۷: ۷۸)

کتابنامه

الف: کتاب‌ها

• قرآن کریم

۱. ابن خردازبه (۱۹۶۷)؛ المسالك والممالک، لیدن: دخویه.
۲. امین پور، قیصر (۱۳۹۰)؛ مجموعه کامل اشعار، چاپ هفتم، تهران: مروارید.
۳. بایار، ژان پیر (۱۳۹۱)؛ رمزپردازی آتش، ترجمه جلال ستاری، تهران: مرکز.
۴. پی یر، آنجل (۱۹۸۲)؛ هیتلر و آلمان‌ها، لیدن: دخویه.
۵. حجتی، محمد امین (۱۳۸۳)؛ اثر تربیتی رنگ، قم: جمال.
۶. حسین، قاسم (۱۹۸۲)؛ سیکولوجی إدراک اللون والشکل، بغداد: دار الرشید.
۷. رجائی، نجمه (۱۳۸۱)؛ اسطوره‌های رهایی (تحلیل روان‌شناسانه اسطوره در شعر عربی معاصر)، چاپ اول، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۸. سان، هوارد و دورتی (۱۳۷۸)؛ زندگی با رنگ، ترجمه نغمه صفاریان، تهران: حکایت.
۹. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس، (تحلیل سبک‌شناسانه بررسی قالب‌ها و گزینش نمونه‌ها)، چاپ اول، تهران: پالیزان.
۱۰. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۵ ش)، صور خیال در شعر فارسی، چاپ ششم، تهران: آگاه.
۱۱. شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰)؛ شعر معاصر عرب، تهران: سخن.
۱۲. عبدالوهاب، شکری (۱۹۸۵)؛ الإضاءة المسرحية، الطبعة الاولى، القاهرة: الهيئة العامة المصرية للكتاب.
۱۳. طوقان، فدوی (۱۳۷۵)؛ جشنواره اندوه، ترجمه موسی بیدج، تهران: سوره.
۱۴. ----- (۲۰۰۵)؛ الأعمال الشعرية الكاملة، عمان: دار الفارس للنشر والتوزيع.
۱۵. لوچر، ماکس (۱۳۸۶)؛ روان‌شناسی رنگ‌ها، ترجمه ویدا ابی‌زاده، چاپ اول، تهران: درسا.
۱۶. محقق، جواد (۱۳۸۷)؛ شکفتن در آتش، تهران: هنر رسانه‌ای اردیبهشت.
۱۷. محمدی روزبهنی، محبوبه (۱۳۸۹)؛ بررسی تطبیقی شعر مقاومت ایران و فلسطین، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۸. مختار عمر، احمد (۱۹۹۷)؛ اللغة واللون، الطبعة الثانية، القاهرة: عالم الكتب.
۱۹. معجم البابطين للشعراء العرب المعاصرين، (۲۰۰۲)؛ الكويت: مؤسسة عبدالعزيز سعود البابطين للإبداع الشعري.

۲۰. یاغی، هاشم (۱۹۸۱)؛ *الشعر الحديث بين النظرية والتطبيق، الطبعة الأولى*، بیروت: المؤسسة للدراسات والنشر.

ب: مجلات

۲۱. ابوعلیان، یاسر (۱۹۹۸)؛ «الشهيد في شعر فدوى طوقان» «مؤتمر الشعر الفلسطيني: فدوى طوقان حياتها وشعرها»، نابلس: منشورات جامعة النجاح الوطنية.

۲۲. پروینی، خلیل (۱۳۸۹)؛ «نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی: گامی مهم در راستای آسیب‌زدایی از ادبیات تطبیقی»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، سال ششم، شماره چهارده، صص ۵۵-۸۰.

۲۳. سیدی، حسین (۱۳۹۱)؛ «جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان»، *نشریه ادبیات پایداری*، سال سوم، شماره ششم، صص ۱۸۵-۲۰۸.

۲۴. الشاهر، عبدالله (۲۰۰۲)؛ «الأثر النفسی للون»، *مجله الموقف الأدبی*، العدد ۷، صص ۱۰-۳۴.

۲۵. شریفیان، مهدی و سهیلا صادقی (۱۳۸۸)؛ «عشق به انسان و وطن و مقاومت در شعر قیصر امین‌پور»، *پژوهشنامه ادب فارسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال هفتم، شماره سیزدهم، صص ۲۳-۳۸.

۲۶. فتوحی، محمود (۱۳۸۷)؛ «سه صدا، سه رنگ، سه سبک»، *ادب پژوهی*، دانشگاه گیلان، شماره پنجم، صص ۳۰-۹.

۲۷. ملاابراهیمی، عزت و آزاده آزادی (۱۳۹۲)؛ «تحلیل نمادین رنگ در دیوان فدوی طوقان»، *نشریه زن در فرهنگ و هنر دانشگاه تهران*، دوره پنجم، شماره دوم، صص ۲۱۵-۲۲۶.

۲۸. نیکوبخت، ناصر و سیدعلی قاسم‌زاده (۱۳۸۴)؛ «زمینه‌های نمادین رنگ در شعر معاصر (با تکیه بر اشعار نیما، سپهری و موسوی گرمارودی)»، *نشریه دانشکده ادبیات دانشگاه شهید باهنر کرمان*، شماره ۱۸، صص ۲۰۹-۲۳۹.

۲۹. ولی‌پور رزومی، سیدحسین (۱۳۸۴)؛ «هویت ملی و دفاع مقدس»، *فصلنامه مطالعات ملی وابسته به سازمان مطالعات ملی*، سال سوم، شماره ششم، صص ۹۹-۱۲۲.

۳۰. یوسف‌نیا، سعید (۱۳۸۶)؛ «دستی به سوی نور - تأملی در شعرهای قیصر امین‌پور»، *مجله شعر*، شماره ۳۰، صص ۶۰-۷۹.

دراسة مقارنة لعناصر المقاومة في أشعار فدوى طوقان وقيصر أمين بور^۱

صابره سیاوشی^۲

أستاذة مساعدة، باكاديمية العلوم الإنسانية والدراسات الثقافية

مولا شكارى مير^۳

ماجستير باكاديمية العلوم الإنسانية والدراسات الثقافية

الملخص

إن الغرض من هذا البحث هو دراسة العناصر المماثلة والمشاركة في شعر المقاومة لفدوى طوقان وقيصر امين بور باعتبارهما ممثلي الأدب المقاوم لكل من إيران وفلسطين خلال المنهج الوصفي - التحليلي قائما على أساس نظرية الأدب الإسلامي المقارن، وذلك لتقديم لمحة من اللوحات الأدبية المجهولة لبلدي هذين الشعارين للأدب العالمي. واستُمدت المعلومات اللازمة لتقييم العناصر بطريقة مكتبية ومن خلال الدراسة المباشرة للنصوص. وتشير نتائج البحث إلى هذه الحقيقة، أن ظلام الليل، والشخصيات التاريخية المعتدية الكامنة في قصائد هذين الشعارين هما رمز للعدو والغاية رمز للوطن. واللون الأحمر والأسود والأزرق والأصفر تمثل على التوالي رمزاً لمعالجة تصوير مفاهيم متنوعة كالشهادة والمآثم والقمع والسكينة والأمل والنضارة والرشد والنوى والحزن. وتعتبر هذه الأوصاف رموزاً متشابهة تماماً في أشعار المقاومة لكلي الشعارين.

الكلمات الدلالية: الأدب الفارسي والعربي المعاصر، عناصر المقاومة، شعر المقاومة، قیصر امین پور، فدوی طوقان.

تاریخ القبول: ۱۳۹۴/۹/۲۵

۱. تاریخ الوصول: ۱۳۹۴/۷/۲۰

۲. العنوان الإلكتروني للكاتب المسؤول: saberehsivashi@yahoo.com

۳. العنوان الإلكتروني: molashekarimir@yahoo.com